

This is a Persian translation of  
Deconstructing Durkheim & post-post-structuralist critique  
By Jennifer M. Lehmann  
Translated by Shahnaz Moazzamipour  
Melbourne Publishing House, Tehran, 2011

Lehmann, Jennifer M. ۱۹۷۶-...  
پژوهشگر و نویسنده آمریکایی-آلمانی، متخصص در زمینه جامعه‌شناسی و فلسفه.

جنیفر لیمن

---

# ساخت‌شکنی دورکیم

## نقدی پسا پسا ساختارگرایانه

---

ترجمه

شهناز مسمی‌پرست



.....	۷۱۱
.....	۷۱۱
.....	۵۷۱
.....	۷۷۱

فهرست مطالب (ادامه)

.....	۷۵۱
.....	۷۵۱
.....	۸۵۱
.....	۱۷۱

**فهرست مطالب**

.....	۹
.....	۱۱
.....	۱۱
.....	۱۴
.....	۱۹
.....	۲۱

**بخش یکم. هستی‌شناسی اجتماعی دورکیم**

.....	۲۷
.....	۲۷
.....	۳۲
.....	۳۶
.....	۴۴
.....	۴۹
.....	۶۳
.....	۶۴
.....	۶۷
.....	۹۵
.....	۱۰۳
.....	۱۰۴

فرد ضمنی: امکان‌گریز ..... ۱۱۲  
 جامعه‌پذیری به‌منزلهٔ یک معضل ..... ۱۲۰  
 فرد از کجا؟ ..... ۱۲۵  
 جبران ..... ۱۳۲

بخش دوم. شناخت‌شناسی (اجتماعی) دورکیم

فصل ۴. ایدئولوژی و حقیقت شناخت فردی و جمعی ..... ۱۵۳  
 نظریهٔ شناخت دورکیم ..... ۱۵۳  
 تجربه‌گرایی فردی، عقلانیت جمعی ..... ۱۵۸  
 شناخت تجربی فردی به‌مثابه ایدئولوژی /  
 شناخت عقلانی جمعی به‌مثابه حقیقت ..... ۱۷۱  
 فصل ۵. ایدئولوژی جمعی ..... ۲۰۱  
 نظریهٔ جامعه‌شناختی شناخت: نسبی‌گرایی یا عقل‌گرایی؟ ..... ۲۰۱  
 سوژه/های ایدئولوژی جمعی ..... ۲۱۰  
 سرشت ایدئولوژی جمعی ..... ۲۱۵  
 ایدئولوژی جمعی در برابر حقیقت جمعی:  
 استعارهٔ پیش‌پنداشت، دوگانگی شناخت ..... ۲۱۹  
 دین و سوسیالیسم به‌مثابه ایدئولوژی جمعی ..... ۲۳۲  
 فصل ۶. حقیقت جمعی ..... ۲۴۰  
 ایدئولوژی جمعی و حقیقت جمعی: استعارهٔ ادراک، پیوستار شناخت ..... ۲۴۰  
 حقیقت ایدئولوژی جمعی: تجدیدنظر در سوسیالیسم و دین ..... ۲۵۷  
 تاریخ شناخت کمال سوژه/ ابژه/ رابطه ..... ۲۷۲  
 یادداشت‌ها ..... ۲۸۳  
 کتابنامه ..... ۳۲۹  
 کتاب‌شناسی آثار دورکیم ..... ۳۳۷  
 نمایه ..... ۳۳۹

قدردانی

این نوشتار بدون پن آگر (Ben Agger) در SUNY در بوفالو، نوشته نمی‌شد. من دینی غیرقابل پرداخت به او دارم که آن، دوازده سال مشاورهٔ جدی است - حمایت و تشویقی مستمر در طول دوازده سال ناملايمات به هر شکل. بن و من، از لحاظ نظری همزاد نیستیم، ولی او بزرگ‌ترین منبع الهام فکری من است. او در دوران حرفهٔ دانشگاهی‌ام همواره مرا حمایت و تحمل کرده و به پرسش گرفته است. این نوشتار بدون کریس راجک (Chris Rojek) در راتلیج، کتاب نمی‌شد. من دینی بسیار ارزشمند به او دارم، چراکه به این طرح ایمان داشت، و هنگامی که من احساس می‌کردم ایمانم به این طرح سلب شده است ایمانم را به من بازمی‌گرداند. علاوه بر او، می‌خواهم از این افراد برای توجه قابل اطمینان و موشکافانه‌شان به دست‌نوشتهٔ من در خلال فرایند تولید تشکر کنم: آن گی (Anne Gee)، کیتی ویم‌هرست (Katy Wimhurst)، جو ترم (Jo Thurm)، و هوگو دو کلی (Hogo de Klee). مخصوصاً می‌خواهم از منتقدین، چه ناشناخته و چه غیر آن، برای کمکشان در بهتر شدن کتاب تشکر کنم. سرانجام، می‌خواهم از خانواده‌ام تشکر کنم: میلدرن. لمان، وزلی. لمان و جوناتان و. لمان. در نهایت آنچه می‌کنم برای آنان است.

## مقدمه

### دورکیم / ساخت شکنی / ساختارگرایی

#### ساخت شکنی

امروزه چه کسی دورکیم را می خواند؟ (۱) چرا ما همچنان دورکیم (و مارکس) را، بعد از بیش از یک صد سال که از تحریر و بحث آنان درباره سرمایه داری می گذرد، می خوانیم و درباره آنها بحث می کنیم؟ به زعم من، پاسخ این است که سرمایه داری و ناخرسندی هایش - به همراه فقرا - هنوز با ماست. دورکیم، از نظر من، بیانیۀ تمام و کمال و ناب ایدئولوژی سرمایه داری را به رشته تحریر درآورد، از جمله قاعده‌ای را برای نجات سرمایه داری از طریق اصلاحات، در تقابل با نابودی سرمایه داری از طریق ارتجاع یا انقلاب، ارائه داد. دورکیم به نحوی پیشگویانه و با زبانی گویا فلسفۀ حاکم بر زمانۀ ما - نه زمانۀ خویش - را بیان کرد؛ یعنی، فلسفۀ سرمایه داری متأخر یا دولتی که من آن را نولیبرالیسم می خوانم.

این نوشتار ساخت شکنی دورکیم است / نیست. زیرا مگر خود ساخت شکنی چیست؟ تعریف با «روح» «ساخت شکنی» (اگر نه با «عین» عبارت آن) مخالف است، چه که «ساخت شکنی» مانعی است برای چیزی بودن، حضور، و تعیین هویت. با این همه، این نوشتار، هم مداخله‌ای در آثار دورکیم است، هم در کار ساخت شکنی است. بنابراین، «این نوشتار»، به طور منطقی و / یا دلخواهی، ساخت شکنی «است»، ولی به «مفاهیمی» از آن واژه، یا به این‌همانی‌هایی از آن «نام» که در زیر می آیند.

نخست، این نوشتار نشان‌دهندۀ «سبک» خاصی از خوانش است و استراتژی

خوانش دقیق، متنی / زیرمتنی / پادمتنی، نشانه‌ای، و نویسنده‌وار را دنبال می‌کند. این، خوانشی است که خلاف بافت نوشتار دورکیم عمل می‌کند. در جست‌وجوی تناقضات، ابهامات، و سرگشتگی‌ها و نه انسجام، وضوح، و کامل‌بودن است. در جست‌وجوی بستار یا اصل در متن دورکیم نیست، یا چنین چیزی نمی‌یابد. در جست‌وجوی نوعی «یگانه معنای حقیقی»؛ یعنی، صورت‌بندی عینی تمام و کمال از نیت ذهنی دورکیم نیست، یا چنین چیزی نمی‌یابد.

دوم، این خوانش / نوشتار، بر این فرض عمل می‌کند که ابژه‌ای «هست» که می‌توان آن را اپیستمه کلاسیک، متافیزیکی، انسان‌گرایانه و فلسفی نامید. این خوانش / نوشتار تلاش می‌کند تا موقعیت کار دورکیم را نسبت به این زمینه فلسفی مشخص کند، و تا حدی آثارش را - هرچه قدر زمینه‌شکن، ریشه‌ای، و «تعیین‌کننده»<sup>۱</sup> باشد (بالاخره دورکیم می‌تواند ادعا کند پدر جامعه‌شناسی است) - درون این ساختار معرفت‌شناسانه قرار دهد. آثار دورکیم جایگاه انسان‌گرایی فلسفی است، هم در سطحی هستی‌شناسانه و هم معرفت‌شناسانه.

دورکیم در دسته انسان‌گرایان جای می‌گیرد، نخست به این دلیل که هستی‌شناسی‌اش سوژه‌گرایی جمعی را وارد میدان می‌کند. از نظر دورکیم، «جامعه» یک موجود زنده و آگاه است. ارگانیسیم‌گرایی او ماتریالیسم (ارگانیسیم جمعی / زیست‌شناسی) و ایده‌آلیسم (آگاهی جمعی / روان‌شناسی) را ترکیب می‌کند تا جامعه را به صورت سوژه انسان‌گونه / مردگونه<sup>۲</sup> که مجهز به تن (کالبد) و جان، جسد و روح، است تصویر کند. به عبارت دیگر، ارگانیسیم‌گرایی دورکیم، استعاره است فقط به این معنا که هر نظریه‌ای استعاره‌ای است. ارگانیسیم‌گرایی دورکیم را باید به معنای واقعی کلمه در نظر گرفت. سوژه اجتماعی، وحدت نهایی، یا نقطه اوج طبیعت است که تک‌تک سوژه‌های انسانی - ابدان و اذهان - را به مثابه اجزای پیچیده‌اش ترکیب می‌کند. دورکیم به این موجود جمعی نه تنها هم اختیارگرایی آگاهی و هم جبرگرایی طبیعت را، بلکه تکامل را که در کل حیات مشترک است اسناد می‌دهد.

معرفت‌شناسی دورکیم، مانند هستی‌شناسی‌اش، بر اساس سوژه‌گرایی جمعی بنا

می‌شود. «سوژه» شناخت، مانند «سوژه» واقعیت، جامعه است. ارگانیسیم‌گرایی دورکیم، که جامعه را، هم هستی فیزیکی و هم هستی ذهنی می‌نمایاند، تعیین‌کننده منظر او از شناخت است، شناختی که تجربه‌گرایی جمعی را با عقل‌گرایی جمعی ترکیب می‌کند. سوژه اجتماعی، واقعیت را بهتر از سوژه منفرد ادراک می‌کند؛ سوژه اجتماعی، مشاهدات خود را پردازش می‌کند، چیزهای انضمامی، خاص، و زمانمند را به مفاهیم، مقولات، و روابط کلی و ابدی بدل می‌کند - عملی که سوژه فردی یکسره بر آن ناتوان است. بنابراین، دورکیم بر این باور است که موجود جمعی جسمی و ذهنی، واقعیت را هم به طور حسی و هم مفهومی می‌شناسد؛ و نیز این شناخت، هم بی‌مسئله و هم انباشتی است. معرفت‌شناسی دورکیم معرفت‌شناسی روشن‌نگری است.

سوم، این خوانش / نوشتار بر این فرض عمل می‌کند که ابژه‌ای «هست» که نسبت به ابژه قبلی؛ یعنی اپیستمه کلاسیک، متافیزیکی، انسان‌گرایانه، و فلسفی می‌توان آن را «شکاف» - گسیختگی شدید، تفاوت، یا بدیل - نامید. بر همین قیاس، بر آن است تا موقعیت کار دورکیم را نسبت به این زمینه فلسفی جدید «دیگر» مشخص کند. تا حدی آثار او را - هرچه قدر هم سنتی، محتاطانه، و «پایانی»<sup>۱</sup> باشد («پایانی» تا حدی که ظهور جامعه‌شناسی «بذره‌های مرگ انسان را با خود دارد») - درون این ساختار معرفت‌شناسانه بدیل قرار می‌دهد. آثار دورکیم، هم در سطحی هستی‌شناسانه و هم معرفت‌شناسانه جایگاه پاد-انسان‌گرایی فلسفی‌اند.

دورکیم در دسته پاد-انسان‌گرایان قرار می‌گیرد، نخست به این دلیل که هستی‌شناسی پاد-سوژه‌گرایی فردی را به خدمت می‌گیرد. ارگانیسیم‌گرایی بنیان‌گرایانه<sup>۲</sup> دورکیم به طور ضمنی سوژه‌گرایی جمعی را ضرور می‌سازد، ولی ضرورتاً متضمن جبرگرایی اجتماعی هم هست. جبرگرایی اجتماعی، در زمان دورکیم مانند زمان ما، تهدیدی شدید و ناخوشایند به انسان‌گرایی فردگرایانه لیبرال بود. دورکیم، جبرگرایی اجتماعی را نه تنها به مثابه اصلی مسلم مطرح می‌کند، بلکه نسبت به «سوژه‌ها»ی فردی، آن را هم منفی (ویرانگر، کنترل‌کننده) و هم مثبت

1. terminal

2. foundational

1. seminal

2. anthropomorphic/ andromorphic